

مهم ترین قواعد نگارش فارسی

قواعد همزه (ء)

حرف همزه (ء) یک حرف عربی است و جزء الفبای فارسی نیست. بنابراین، هر کلمه‌ای که در آن همزه دیده شود، یک کلمه عربی است که وارد فارسی شده است. به عبارت دیگر، در کلماتی که فارسی هستند نباید همزه به کار رود.

پس، کلماتی مثل: پایین، بفرمایید، می‌نمایید و ... نباید با همزه نوشته شوند. (پائین، غلط است)

همزه به چهار شکل ممکن است نوشته شود: (ء، ا، ی، و)

قواعد پایه‌ی همزه:

اگر همزه، حرکت فتحه (()) بگیرد، باید با پایه‌ی «الف» نوشته شود؛ مثال: هیأت درست است، چون (ء) دارای فتحه است. (البته اگر از هیئت، منظور علم نجوم باشد، برای ایجاد تفاوت، با پایه‌ی ی نوشته می‌شود.)

اگر همزه، حرکت کسره (()) بگیرد، باید با پایه‌ی «ی» نوشته شود؛ مثال: مسائل درست است، چون (ء) دارای کسره است. خائن، مانده، ائمه، جوایز و ... (مسایل و جوایز هم درست هستند.)

اگر همزه، حرکت ضمه ((ُ)) بگیرد، باید با پایه‌ی «و» نوشته شود؛ مثال: مثلاً در کلمه عربی آباؤکم، همزه به خاطر داشتن ضمه، بر روی پایه‌ی «و» قرار گرفته است.

استثنائات و مابقی قواعد همزه:

- اگر حرف قبل از همزه، مفتوح باشد، همزه با پایه‌ی «الف» نوشته می‌شود؛ مثال: رأفت، مأخذ، تأخیر.

- اگر همزه با صدای «ای» همراه شود، همزه بر پایه‌ی «ی» می‌نشیند؛ مثال: جبرائیل، رئیس، لئیم، اسرائیل.

- اگر حرف قبل از همزه، ضمه باشد، بر تمامی قواعد، اولویت پیدا می‌کند و همزه بر روی پایه‌ی «و» نوشته می‌شود. به طور مثال، درست است که در کلمه مؤسس، حرف همزه، حرکت فتحه دارد، اما چون حرف قبل از همزه، حرکت ضمه (ـُ) دارد، باید بر روی پایه‌ی «واو» نوشته شود. کلمات دیگری که از این قاعده پیروی می‌کنند: سؤال، مؤید، مؤمن.

- اگر همزه با صدای «او» همراه شود، بر پایه‌ی «واو» نوشته می‌شود؛ مثال: مسؤول (مسئول، غلط است)، شوونات.

- تمامی کلمات لاتین که شامل همزه می‌شوند، باید بر پایه‌ی «ی» نوشته شوند؛ مثال: ناپلئون، سوئد، ئیدروژن، ژوئن.

قواعد همزه بدون پایه:

- همزه بدون پایه، فقط در آخر کلمات عربی می‌آید؛ مثال: سوء، اعضاء، املاء، انشاء.

- کلماتی مثل «انشاء» که در انتهای آن‌ها، الف و سپس همزه بدون پایه می‌آید، الف و همزه آن‌ها، در فارسی، یک حالت اضافی است و همزه تلفظ نمی‌شود و شنیده نیز نمی‌شود، بنابراین حذف می‌شود. پس در فارسی، «املا» درست است نه «املاء» و همینطور، «اعضا» درست است نه اعضاء

- در این کلمات، اگر یک مضاف الیه به کلمه اضافه شود، یک «ی» میانجی به انتهای کلمه اضافه خواهد شد؛ مثال: اعضای مجلس.

مهم‌ترین قواعد اتصال

- پسوند «ها» علامت جمع فارسی است که باید حتماً جدا نوشته شود؛ مثال: درخت‌ها، انسان‌ها و ... (در کلمه تنها، «ها» نشانه‌ی جمع نیست. پس جدا نوشته نمی‌شود.)

- پسوند «مند» در ترکیبش با اسم، مفهوم «دارا بودن» را می‌رساند؛ مثال: نیرومند.

اگر کلمه‌ای به «ه بیان حرکت» ختم شود و بخواهد پسوند «مند» بگیرد، باید جدا نوشته شود؛ مثال: علاقه‌مند، اندیشه‌مند (به کسی نگوئید اندیشمند، چون اندیشمند یعنی «ترسو»!! اندیشه‌مند، درست است.)

- پسوند «تر» و «ترین» همیشه و در همه حالات جدا نوشته می‌شوند مگر در سه مورد: بهتر، کهنتر و مهتر. مثال: بزرگ‌ترین، زیرک‌تر.

- پیشوند «هم» معمولاً متصل نوشته می‌شود، مگر در صورتی که شکل نوشتاری نازیبایی پیدا کند؛ مثال: همراه، همدل، همدم، هم‌صحبت، هماهنگ، همانند.

- پیشوند «بی» معمولاً جدا نوشته می‌شود، مگر در کلماتی که تغییر معنی ایجاد می‌شود؛ مثال: بی‌سواد، بیدل، بیزار، بیکار، بیچون.

قواعد فعل (است)

- اگر در انتهای یک کلمه، صدای «آ» باشد، نیازی به آوردن «الف» در فعل «است» نیست؛ مثال: کلمات مقابل، صحیح هستند: تواناست، داناست، بیناست.

- اگر در انتهای یک کلمه، صدای «او» باشد، نیازی به آوردن «الف» در فعل «است» نیست؛ مثال: اوست. (توجه: اگر در انتهای کلمه‌ای «و» باشد اما با صدای ضمه (ْ) تلفظ شود، حتماً «الف» در فعل «است» آورده می‌شود؛ مثال: رادیو است. رادیوست غلط است. / تو است. توست غلط است)

قواعد چنان که و چنان چه

- کلمات «چنان چه» و «چنان که» بهتر است جدا نوشته شوند، اما اگر سر هم نوشته شوند، ایرادی ندارند.

. چنان چه یک حرف شرط است به معنی اگر

. چنان که یک حرف ربط است به معنی همان طور که

پس؛

- عبارت «چنان چه می دانیم» غلط است. («چنان که می دانیم» درست است)

- عبارت «اگر چنان چه...» غلط است. (= اگر اگر...)

- جمله «چنان چه درختی را آب ندهیم، خشک می شود.» درست است.

علامات

- کاربرد نقطه-ویرگول (:):

این علامت به نام «مکث میانه» شناخته می شود.

اگر جمله ما تمام شد و مقصود، رسید، در انتهای جمله نقطه می گذاریم؛ مثال: «همه ی مواد از ذراتی به نام اتم تشکیل شده اند» اما اگر قرار باشد یک مثال برای ادامه جمله بیاوریم، از علامت (:؛) استفاده می کنیم؛ مثال: «یک سازمان از بخش های مختلفی تشکیل شده است؛ همچون: مدیریت، معاونت و...»

- نکته مهم در کاربرد علامت سؤال (?):

جملاتی مثل: «معلم از علی پرسید، چرا دیر آمدی» یک جمله خبری به حساب می آیند، چرا که هیچ جوابی قرار نیست به آن داده شود. بنابراین، در انتهای این نوع جملات، نباید از علامت سؤال استفاده شود.

- کاربرد علامت (!):

در مواقعی که سؤالی را برای تنبه می پرسیم و در حقیقت جواب سؤال را می دانیم، از این علامت استفاده می کنیم؛ مثال: مگر نگفته بودم درس بخوانید؟!

-نکته ای در کاربرد علامت تعجب (!):

علاوه بر اینکه در انتهای جملاتی که تعجب آور است استفاده می شود، گاهی اوقات این را به خواننده یادآوری می کند که این جمله باید با احساس خوانده شود؛ مثال: خداحافظ!

انواع «به» و طرز نگارش آن‌ها

حرف اضافه:

بر سر اسم می‌آید و حتماً و در هر شرایطی جدا نوشته می‌شود؛ مثال: به یاد آوردم.

صفت‌ساز:

متصل نوشته می‌شود؛ مثال: بهوش، بخرد، بنام. (ابو علی سینا فرد بخرد و بنامی بود.)

پیشوند فعل:

متصل نوشته می‌شود؛ مثال: بنشین، برو، بیفروز.

اگر این نوع «ب» به فعلی بچسبد که با «ا» شروع می‌شود، یک «ی» میانجی لازم می‌شود؛ مثال: ب+آور=بیاور /

ب+افکن=بیفکن

بر سر عبارت فعلی:

جدا نوشته می‌شود. نکته: عبارت فعلی = حرف اضافه+اسم+فعل؛ مثال: به کار بردن، به دست آوردن

قید ساز:

جدا نوشته می‌شود؛ مثال: به سرعت، به دقت، به تحقیق (به جای حقیقتاً)

حرف جر عربی:

متصل نوشته می‌شود؛ مثال: بالأخره، بالعکس.

آخرین نکته:

عبارت «إن شاء الله» به معنی «اگر خدا بخواهد»، فقط به همین صورت درست است. (إنشاء الله و دیگر صورت‌ها غلط است.)